

## ابهامات چشم‌انداز غزه

#### ▼ خلع سلاح

حماس مدت‌هاست از تحویل سلاح‌هایش خودداری کرده است و می‌گوید، تا زمانی که اشغال قلمروهای فلسطینی به دست اسرائیل پایان یابد، حق مقاومت مسلحانه دارد. برای اسرائیل، خلع سلاح خواسته‌ای کلیدی است. نخست‌وزیر بنیامین نتانیاہو مکرراً گفته کارزارش پایان نخواهد یافت تا زمانی که ظرفیت‌های نظامی حماس بر چیده شوند و این شامل شبکه تونل‌هایی می‌شود که در سراسر این منطقه ساخته شده‌اند؛ اما نشانه‌هایی هست که می‌گوید حماس می‌تواند با «توقف کارکرد» سلاح‌های تهاجمی خود موافقت کند و آن‌ها را تحویل کمیته مشترک فلسطینی - مصری دهد، این را مقامات عربی که اطلاعات مستقیم از مذاکرات دارند، به شرط عدم ذکر نامشان گفته‌اند.

#### ▼ حکمرانی آینده

اسرائیل گفته است می‌خواهد غزه را نفوذ حماس پاک نشود؛ اما دادن هر گونه نقش به تشکیلات خودگردان فلسطین، مستقر در کرانه باختری یا هر چینش دیگری را که بتواند منجر به ایجاد کشور فلسطین شود، رد کرده است. حماس که از سال ۲۰۰۷ بر غزه حکمفرما بوده، موافقت کرده از حکمرانی کنار بکشد و آن را به نهادی از تکنوکرات‌های فلسطینی بسپارد. هنوز قطعی نیست چه موجودیتی جایش را خواهد گرفت. تحت برنامه ترامپ، یک نهاد بین‌المللی حکمرانی خواهد کرد، «شورای صلح» و «هیئت صلح» هر دو اسامی هستند که برای این نهاد مطرح شده‌اند. این نهاد بیشتر قدرت را در اختیار خواهد داشت و در عین حال، ناظر بر نهاد اداره‌کننده متشکل از تکنوکرات‌های فلسطینی خواهد بود که امور روزمره را مدیریت می‌کنند. نقش مرکزیت فرماندهی در مدیریت بازسازی غزه را هم خواهد داشت. برنامه اولیه ۲۰ ماده‌ای ترامپ خواسته تونی بلر، نخست‌وزیر سابق بریتانیا، رهبری این نهاد را بر عهده داشته باشد. حماس تا اینجا کار موافقت‌نکرده است و می‌گوید تکلیف حکمرانی در غزه باید در میان فلسطینیان معلوم شود.

#### ▼ خطرات و چالش‌ها

اسرائیل این توافق را جشن گرفت. برای بخش بزرگی از افکار عمومی اسرائیلی، آزادی آخرین گروگان‌ها که دو سال بود اسیر بودند، اولویت اول بود.

اما فلسطینیان در غزه آن چنان مطمئن نیستند؛ از اینکه بمباران بی‌امان و حملات زمینی ممکن است مدتی متوقف شود و ممکن است جریان کمک‌ها به داخل راه بیفتند، احساس تسکین و آرامش کردند؛ اما هم‌زمان، بدبینی و نگرانی هم بود، بر سر اینکه هر گونه توقف در درگیری، چقدر دوام خواهد داشت، آیا صدها هزار نفر [آواره] خواهند توانست به خانه‌هایشان برگردند و آیا غزه که بیشتر شهرهایش ویرانه هستند، دیگر بازسازی خواهد شد؟

بسیاری از فلسطینیان نگران هستند که اسرائیل هر گونه به‌هم‌خوردن روند گفت‌وگو را به عنوان فرصتی برای ازسرگیری حملاتش ببیند. نتانیاہو و متحدان تندرو او، مدت‌هاست اصرار کرده‌اند کنترل امنیتی مستقیم و بلندمدت در غزه را نگه خواهند داشت و از بیرون‌راندن جمعیت فلسطینی گفته‌اند، به ظاهر «داوطلبانه». در غزه، بسیاری بر این باورند که این همچنان هدف اسرائیل است.

فشار از سمت ایالات متحده و متحدانش، اگر پس از آزادی گروگان‌ها هم ادامه یابد، می‌تواند مانع از این شود که اسرائیل دوباره یک جنگ تمام‌عیار راه بیاندازد.

اما سناریوی تیره دیگری هم هست. اگر حماس و اسرائیل نتوانند به توافقی نهایی دست یابند یا مذاکرات بدون نتیجه کش بیایند، ممکن است غزه به برزخی بی‌ثبات بلغزد، در وضعیتی که در آن، نیروهای اسرائیلی همچنان بخش‌هایی از غزه را در اختیار دارند و حماس همچنان فعال است. در چنین حالتی، بعید است اسرائیل اجازه بازسازی قابل‌توجهی در غزه را بدهد و این مردم غزه را همچنان رنجور و گرفتار در اردوگاه‌ها، چادرها و پناهگاه‌ها نگاه خواهد داشت.



آیا توافق آتش‌بس، چنان که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا ادعا می‌کند، منجر به «صلحی محکم، مداوم و ماندگار» خواهد شد؟ رسیدن به این توافق با اعمال فشار بر اسرائیل و حماس از سوی ایالات متحده، کشورهای عربی و ترکیه حاصل شد. این طرف‌ها می‌گفتند زمان پایان دادن به جنگی دوساله است که نوار غزه را ویران کرده، ده‌ها هزار فلسطینی را کشته، جرقه درگیری‌هایی دیگر در منطقه شده و اسرائیل را به شکلی فراینده منزوی کرده است. این فشار، توافقی بر سر مرحله اولی را به نتیجه رساند که در آن، گروگان‌های اسرائیلی باقیمانده، در فاصله چندروز در مقابل آزادی صدها فلسطینی زندانی‌شده از سوی اسرائیل، آزاد خواهند شد؛ اما این توافق، فهرست طولبی از سؤالات بی‌پاسخ را درباره آنچه پس از این رخ می‌دهد، باقی گذاشته است. اسرائیل می‌خواهد تضمین کند که حماس خلع سلاح می‌شود. حماس می‌خواهد تضمین کند که اسرائیل نیروهایش را کاملاً از غزه بیرون می‌برد و اجازه ندارد جنگ را دوباره شروع کند. در همین حین، درباره حکمرانی در غزه پس از جنگ هم باید تعیین تکلیف شود و جایگزین دوران حکومت حماس معلوم شود. بدون این‌ها، بازسازی بعید است و این بیش از دو میلیون نفر جمعیت غزه را در فلاکت مداوم می‌گذارد. هیچ اعتمادی بین دو طرف وجود ندارد و در چنین وضعیتی، بخش مهمی از ماجرا به ادامه فشار از سوی ایالات متحده، مصر، قطر و ترکیه بسته است. هر گونه مانع در مسیر این مسائل در هم‌تنیده می‌تواند همه رشته‌ها را پنبه کند و به صورت بالقوه منجر به ازسرگیری کارزار اسرائیل شود. درباره توافق، این‌ها را می‌دانیم:

#### ▼ آغاز اولین گام‌ها

آتش‌بس از ظہر جمعه اجرایی شد. ارتش اسرائیل گفت نیروهایش را به خطوطی داخل غزه عقب کشیده که برای روز اول مورد توافق بود و از بخش بزرگی از شهر غزه، شهر جنوبی خان یونس و دیگر مناطق عقب آمد. ارتش اسرائیل می‌گوید فلسطینیانی که آواره و به جنوب رانده شده‌اند، خواهند توانست به خانه‌هایشان در شمال بازگردند و هزاران نفر جاده‌ها به سمت شمال را پر کرده‌اند. یک مقام سازمان ملل متحد بدون ذکر نام گفته اسرائیل به سازمان ملل متحد چراغ سبز نشان داد تا شروع به تحویل کمک‌ها در ابعاد بزرگتر به سمت غزه کند. آزادی ۴۸ گروگان باقیمانده هم شروع می‌شود که تصور می‌شود ۲۰ نفر از آنان هنوز زنده باشند. اسرائیل حدود ۲ هزار فلسطینی را آزاد خواهد کرد. این شامل چند صد نفر در حال تحمل حکم زندان می‌شود و نیز دیگران که در طول جنگ در غزه اسیر شده‌اند. مذاکرات برای مراحل بعدی پس از این‌ها شروع می‌شود.

#### ▼ عقب‌نشینی سربازان

حماس مدت‌ها اصرار کرده بود، تا زمانی که سربازان اسرائیلی به طور کامل غزه را ترک نکنند، آخرین گروگان‌ها را آزاد نخواهد کرد. حالا بعد از توافق بر سر این که اول آزادشان کند می‌گوید این با تکیه بر تضمین‌هایی از ترامپ است که عقب‌نشینی کامل رخ خواهد داد. این عقب‌نشینی کامل چقدر طول خواهد کشید؟ چند هفته، چند ماه، چند سال؟ معلوم نیست. برنامه اولیه ۲۰ ماده‌ای که ترامپ هفته پیش منتشر کرد، از اسرائیل می‌خواهد منطقه حائل‌ی باریک را درون غزه و در طول محدوده مرز بین این دو قلمرو، حفظ کند و اسرائیل هم از نگه‌داشتن گذرگاه فیلالدفیا گفته، باریکه‌ای که در مرز غزه با مصر است. بعید است اسرائیل این مناطق را رها کند، مگر اینکه حماس خود را خلع سلاح کند و خلأیی که در اداره غزه بر جا می‌ماند، با نهادی که اسرائیل خوشایند می‌داند، پر شود. برنامه ترامپ همچنین خواستار نیروی بین‌المللی حافظ امنیتی با رهبری اعراب می‌شود که وارد غزه شوند، در کنار پلیس فلسطینی که توسط مصر و اردن آموزش دیده باشد. این برنامه می‌گوید وقتی این نیروها مستقر شدند، نیروهای اسرائیل مناطق را ترک خواهند کرد. هنوز معلوم نیست آیا همان سیستم پیگیری می‌شود یا بر سر جایگزینی مذاکره خواهد شد.

ما در تناقض کامل با حرف توست.

مثلاً حماس، توافقی را پذیرفت و خود ترامپ را هم تحسین کرد که این مهم است و ضمناً این را هم گفت که کار با نهادی فلسطینی خواهد بود، نه نهادی بین‌المللی. خواستار اجماع فلسطینیان خواهد بود که البته به حماس حق و تـو در رد مورد ۱۳ از برنامه ۲۰ ماده‌ای خواهد بود و همین طور الی آخر. اسرائیل می‌گوید بله، گرچه نتانیاہو به‌شدت اکراه داشت. او مجبور شد وقتی در خود کاخ سفید بود و ترامپ کنارش نشسته بود، به نوعی [از قطر] عذرخواهی کند. این حرکت بسیار چشمگیری بود. به نوعی هم موافقت کرد هدفش را عوض کند. به جای نابودی حماس، هدف آزادی گروگان‌ها خواهد بود. به لحاظ نظری، این برنامه هر دوی این‌ها را به اومی دهد. اما نتانیاہو من ادعای کنم ۹۹ درصد اسرائیلی‌ها، باور نمی‌کنند که حماس واقعاً همه سلاح‌هایش را تسلیم کند.... می‌توانند بخشی از آن‌ها را تسلیم کنند. بسیاری اش را در جنگ از دست داده‌اند؛ اما تحویل سلاح‌های شخصی‌شان، به نظر بعید می‌رسد. در نتیجه، خروج کامل اسرائیل هم بسیار بعید است و نقش آفرینی نهاد بین‌المللی هم نسبی خواهد بود؛ اما اگر بتوانید نوعی دولت تکنوکراتیک داشته باشید، ممکن است واقعاً اجازه دهد اتفاقاتی بیفتد. دولت تکنوکراتیک پیشتر بین گروه‌های فلسطینی مورد بحث و توافق قرار گرفته و نهادهای بین‌المللی و بقیه هم ممکن است آن را برای اسرائیل، «دفع افسد به فاسد» ببینند. از نظر گاه انسانی هم فکر می‌کنم این به‌شدت مهم خواهد بود، چون اجازه خواهد داد بازسازی آغاز شود. به اسرائیل اجازه خواهد داد شروع کند به مسائل خودش برسد و به سوگش. سؤال ذهن من این است که آیا چنین چیزی در واقع غیر ممکن است؟ مطمئن نیستم چنین باشد.

**میلر: هیچ سابقه‌ای نیست، هیچ،**

**صفر، از اینکه رئیس‌جمهوری در آمریکا به نخست‌وزیری در اسرائیل موعظه کند که برنامه‌ای را بپذیرد. هیچ وقت چنین اتفاقی نیفتاده است. این هم رئیس‌جمهوری را نشان می‌دهد که به نظر من، از بند آن محدودیت‌های احساسی و سیاسی رهاست که قبلاً مانع می‌شد رؤسای‌جمهور آمریکا فشار فوق‌العاده‌ای به نخست‌وزیری در اسرائیل بیاورند. ترامپ به نظر از این‌ها آزاد است. این جوابیدن نیست. بیسل کلیتون نیست که در خاطراتش نوشت بیش از هر مردی عاشق [اسحاق] رابین بود. این پدیده خارق‌العاده‌ای است، اما اینکه تا کجا می‌تواند این را پیش ببرد، بحث دیگری است.**



**الشقاقی: قبل از اینکه [درباره برنامه ترامپ] حرف منفی بزنم، بگذارید بگویم در اصل، روی کاغذ، در بیشتر موارد، این واقعاً خوب به نظر می‌آید؛ اما این کافی نیست و قطعاً نقشه راهی برای نتیجه‌ای قابل‌دوام نیست. دلیم برای این حرف، بازیگران ماجراست. اول، چون رئیس‌جمهور آمریکا شخصاً پشت این پرونده است. او خودش کسی است که ماجرا را به اینجا رسانده و مهم‌تر از همه می‌گوید خودش شخصاً نتانیاہو را همراه خواهد کرد. توان گفتی او نخواهد توانست چنین کند آرون و بر این اساس، اهالی غزه دارند می‌گویند امگر ترامپ نگفت اسرائیل باید بمباران را متوقف کند؟ بمباران که ادامه دارد، «پس [توقف بمباران] را نتانیاہو این‌طور ترجمه کرد که یعنی پیشرفت ارتش در غزه متوقف شود ولی بمباران ادامه یابد.**

بازیگر دوم، کل این منطقه است. بحث منطقه با اختلاف نواورانه عنصر کل این ماجراست و دیدار با همه این رهبران، در موضوع اثر گذاشت. اساساً دارند می‌گویند آن‌ها حماس را همراه خواهد کرد:

پس اگر نتانیاہو را بیاوری، ما می‌توانیم حماس را بیاوریم.

در محتوا، عناصر مثبت زیادی وجود دارند. موضوع فقط درباره آتش‌بس نیست. موضوع چینش انتقالی است و مذاکرات اسرائیلی فلسطینی برای راه‌حلی دودولتی. موضوع صلح در خاورمیانه است. اما مشکلات زیادی در کار است. هنوز هیچ شریک و طرف فلسطینی برای این ماجرا در کار نیست. این برنامه به حماس داده شد نه به فلسطینیان اما در نهایت انتظار طرفی فلسطینی دارید که حماس نباشد؛ اما الان در حال مذاکره با آن طرف نیستید. طبق برنامه قرار هم نیست به آن طرف هیچ مشروعیتی داده شود، چه برسد به مذاکره. این موضوع، آن را از اساس نشدنی می‌کند. باید درباره اینکه چه کسی بر فلسطینیان حکمرانی خواهد کرد، اجماعی بین فلسطینیان باشد، حتی در این کمیته فنی و به نظر نمی‌رسد این بخشی از برنامه باشد. مشکلات دیگری هم به ماجرا مربوط هستند. شامل تعهد کشورهای عربی برای مشارکت، نه‌فقط در مسئله اقتصادی بازسازی، بلکه در موضوع امنیت نیز. این برنامه اجازه می‌دهد در منطقه یکسان نوار غزه، هم‌زمان چهار نیروی نظامی حضور داشته باشند: حماس، پلیس فلسطین، نیروهای ثبات و ارتش اسرائیل. این قطعاً قابل‌دوام نیست. بسیار تردید دارم که هیچ کشوری مایل باشد چنین خطری کند که نیرویفرستد.

بعد مسئله بزرگتری هست درباره هیئت به اصطلاح صلح. این فقط هیئتی برای جمع‌آوری منابع مالی و بازسازی نیست. کمیته تکنوکراتیک فلسطینی، به این نهاد گزارش خواهد داد. نیروهای ثبات هم همین طور. همه‌شان در نهایت به ترامپ [به عنوان رئیس هیئت] گزارش می‌دهند؛ اما از نگاه فلسطینیان، ترامپ و نتانیاہو یکی هستند. خب پس این چطور قرار است جنگ را تمام کند؟ از اساس نشدنی است. حتی اگر حماس پاسخ مثبت دهد و بعد سر پیاده‌سازی زیر حرفش بزنند، آیا این کشورها باز هم این نیروی ثبات را اعزام خواهند کرد؟ که چه کار کند؟ با حماس بجنگد؟ چه کسی قرار است بخواهد نیرو اعزام کند که با حماس بجنگد؟ تنها کاری که می‌توانم فکرش را بکنم، ارائه کمک‌های بشردوستانه است، اما هر چه‌فراتر از این، دیوانه‌وار خواهد بود.

**مترجم: روح‌النعیمی**

#### دیپلمات‌ها



### قطعه‌نامه ۲۲۳۱

### باید در زمان مقرر خاتمه یابد

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: «۱۸ اکتبر برابر با ۲۶ مهرماه، تاریخ پایان قطعه‌نامه ۲۲۳۱ و محدودیت‌های مندرج در آن است. ما بر این باوریم که این قطعه‌نامه باید در موعد مقرر خاتمه یابد. باید توجه داشت که شورای امنیت تصمیم جدیدی اتخاذ نکرده است؛ آنچه تحت عنوان «بازگرداندن قطعه‌نامه‌های لغوشده شورای امنیت» مطرح می‌شود، محصول اقدامی از سوی سه کشور اروپایی است. همچنین یادآوری می‌کنیم که پنج قطعه‌نامه‌ای که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ با موضوع هسته‌ای ایران به اتفاق آرا تصویب شد یعنی با رأی مثبت هر پنج عضو دائم شورای امنیت اکنون به‌زعیم سه کشور اروپایی قرار است بازرگردد. اما این اقدام با مخالفت صریح چین و روسیه روبه‌رو شده است. بنابراین از نظر حقوقی، ما شاهد نوعی آشفتگی هستیم و مسئولیت این وضعیت بر عهده سه کشوری است که این روند را آغاز کردند.» وی ادامه داد: «بسیا توجه به اینکه اصل این اقدام غیرقانونی و برخلاف رویه‌های شناخته‌شده درج‌شده در برجام و قطعه‌نامه ۲۲۳۱ است، ما از کشورهای مختلف انتظار داریم از اجرای آن خودداری کنند. مواضع روسیه و چین در این زمینه نیز به‌سرعت به دبیرخانه سازمان ملل متحد منعکس شده است. از نظر جمهوری اسلامی ایران، قطعه‌نامه ۲۲۳۱ باید در زمان مقرر خاتمه یابد و اقدام سه کشور اروپایی، که تلاش داشتند منافع و مطالبه سیاسی خود را بر شورای امنیت تحمیل کنند، نباید از نظر حقوقی واجد ارزش یا اثر عملی باشد، سخنگوی وزارت خارجه درباره اقدام عملی چین و روسیه برای مقابله با بازگشت تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران گفت: «مصادق اقدام عملی یا تظاهر بیرونی این دو کشور همین موضع‌گیری‌هایی است که خیلی صریح در سطح شورای امنیت در قالب ارسال نامه سه‌جانبه ایران، روسیه و چین به شورای امنیت انجام شده است. اگر اعتقاد به این امر نداشتند حتماً موضع‌گیری صریح انجام نمی‌دادند. قاعداً این موضع‌گیری‌های علنی و کاملاً حقوقی مستند به ادله حقوقی، آثار عملی خود را هم از حیث حفظ و تداوم و گسترش روابط دو جانبه ایران و چین در ایران و روسیه در همه حوزه‌هایی که برای دو کشور مهم هست خودش را نشان خواهد داد. مادر راییزی مستمر هستیم و اطمینان داریم که روابط ما در زمینه‌های مختلف تحت تاثیر این اتفاق واقع نخواهد شد.»

بقایی در خصوص امکان تعامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: «طرف‌های مقابل، فرصت و رویکرد همراه با حسن‌نیت جمهوری اسلامی ایران را قدر ندانستند. از ابتدا با روشنی اعلام کرده بودیم که اگر اقدام خصمانه‌ای علیه ایران صورت گیرد از جمله تلاش برای بازگرداندن قطعه‌نامه‌های لغوشده تقاهم قاهره امکان و شرایط اجرا شدن نخواهد داشت.» وی افزود: «بنابراین، طرف‌های مقابل، به‌ویژه سه کشور اروپایی، عامل اصلی وضعیت کنونی هستند. البته همان‌طور که پیش‌تر نیز عرض کرده‌ام، دیپلماسی تعطیل‌بردار نیست؛ اما در حال حاضر، به‌صورت مشخص باید بگویم که برنامه‌ای برای تماس، رایزی یا برگزاری جلسه در روزهای آتی وجود ندارد.»

بقایی همچنین در خصوص اظهارات رئیس‌جمهور روسیه مبنی بر انتقال پیام طرف اسرائیلی به ایران گفت: «نکات دوستانه را می‌شنویم و با چشمان باز مراقب تحولات هستیم و فکر می‌کنیم با توجه به سابقه فریبکاری رژیم صهیونیستی لازم است در همه سطوح از جمله دفاعی هوشیاری خود را همواره حفظ کنیم.» سخنگوی وزارت امور خار چه در باره آینده مذاکرات و روابط ایران و اروپا گفت: «در مورد اینکه آینده چه خواهد شد، در حال حاضر نمی‌توان پیش‌گویی کرد، اما بدون تردید تجربه در هر حوزه‌ای، از جمله در حوزه دیپلماسی بهترین آموزگار است. تجربه ۱۰ ساله ما در اجرای توافق هسته‌ای نشان می‌دهد که سه کشور اروپایی در ایفای وظایف و تعهدات برجامی خود به‌شدت قصور داشته‌اند، بدتر از آن، اقدامی است که در دو ماه اخیر رخ داد؛ یعنی سوءاستفاده از سازوکار حل‌وفصل اختلافات برجام به‌منظور بازگرداندن قطعه‌نامه‌های لغوشده شورای امنیت؛ اقدامی که نه توجیه حقوقی داشت و نه توجیه منطقی و اخلاقی. بنابراین، به نظر می‌رسد این مسئولیت بر عهده سه کشور اروپایی است که هم در سیاست‌های خود تجدیدنظر کنند و هم نه‌فقط نسبت به ایران، بلکه در برابر جامعه جهانی نشان دهند که بازیگرانی قابل اعتماد و معتبر در عرصه مذاکرات و دیپلماسی چندجانبه‌هستند.»